**اژدر،** عملیات مراقبت (اسکورت) از کشتی‌ها. حمله بالگردهای مسلح سوپرفرلئون که از منطقه فاو عراق به پرواز در می‌آمدند، سبب شده بود تا تعداد زیادی از کشتی‌های تجاری در مسیر بوشهر و در مدخل ورودی خورموسی منهدم و غرق شوند و خسارت زیادی از این بابت به دولت ایران تحمیل گردد. بهترین گزینه مقابله با آن، بالگرد شکاری کبرای هوانیروز بود؛ اما از سویی خلبانان هوانیروز هیچ‌گونه تجربه پرواز برروی آب را نداشتند و لازم بود که قبل از شرکت در عملیات، آموزش‌های لازم را فرا بگیرند. سرانجام با هماهنگی‌های به‌عمل‌آمده با نیرویی دریایی ارتش، آموزش خلبانان هوانیروز توسط کارکنان هوادریا در پایگاه دریایی ماهشهر انجام پذیرفت. با طلوع روز، یک تیم متشکل از یک فروند بالگرد کبرا مسلح به موشک و یک فروند بالگرد کبرای راکت‌انداز از پایگاه خود در کنار رودخانه جراحی، به‌سوی بندر امام به پرواز در می‌آمدند و سپس یک فروند از بالگردهای 212 نیروی دریایی به‌عنوان رسکیو، به تیم پروازی ملحق می‌شد و با طی مسیر آب‌راه خورموسی در شبه‌جزیره‌ای به نام بویه‌سیف که مشرف به شمال غربی خلیج‌فارس و مناطق ساحل غربی عراق و دهانه بندر فاو و ام‌القصر بود، فرود می‌آمدند. به‌طورمعمول در این عملیات، ناوهای جنگی نیروی دریایی ارتش در مسیر کاروان کشتی‌ها، به‌صورت اسکورت حرکت می‌کردند و هواپیماهای شکاری نیروی هوایی ارتش نیز پوشش هوایی منطقه را بر عهده می‌گرفتند و وظیفه درگیری با بالگردهای سوپرفرلئون را به هوانیروز واگذار می‌کردند. با اشرافیتی که رادار سربندر و بوشهر به منطقه شمال غربی داشتند، به تیم پروازی هوانیروز که در شبه‌جزیره بویه‌سیف آماده پرواز بودند، اطلاع می‌دادند و در این مرحله از مأموریت، یک فروند از بالگردهای سیکورسکی نیروی دریایی ارتش که مجهز به سیستم ناوبری و رادارهای سطحی بود، به تیم پروازی هوانیروز ملحق می‌شد و به‌عنوان لیدر تیم، بالگردهای کبرا را به‌سوی هدف هدایت می‌کرد. خلبانان هوانیروز که درروی خشکی مهارت خود را در سرنگونی بالگردهای عراقی به اثبات رسانیده بودند، این بار در آب‌های نیلگون خلیج‌فارس، با بالگردهای دریایی عراق درگیر می‌شدند تا کاروان‌ها با خیالی آسوده، ادامه مسیر دهند و به‌سلامت به مقصد برسند. با حضور بالگردهای هوانیروز در عملیات اژدر، هیچ شناوری از کاروان تجاری توسط بالگردها موردحمله قرار نگرفت. البته مأموریت هوانیروز، منحصر به درگیری بالگردها نبود و در طول عملیات، تعداد زیادی از سکوهای دیده‌بانی و پست‌های شنود که به‌صورت شناور و گاه ثابت توسط عراقی‌ها در نواحی شمال غربی خلیج‌فارس تأسیس‌شده بود، با حمله بالگردهای هوانیروز منهدم شدند. همچنین چند مورد نیز سکوهای نفتی البکر و الامیه در منطقه دریایی فاو که دستگاه‌های دیده‌بانی و اطلاعاتی دشمن برروی آن‌ها تعبیه‌شده بود، با موشک بالگردهای هوانیروز، مورد اصابت قرارگرفتند و صدمات زیادی به آن‌ها وارد آمد. در چند مورد نیز گشتی‌های شناور عراقی که به‌منظور ایجاد مزاحمت از محدوده دریایی خودشان خارج‌شده بودند، توسط بالگردهای هوانیروز از منطقه فراری داده شدند و یا آسیب دیدند. خلاصه آنچه هوانیروز بر فراز زمین قادر به انجام آن بود، در دریا نیز قادر به انجام آن شد (کریم‌زاده و پایخان، 1390: 168)**.** سرتیپ‌دوم بازنشسته محمدزاده در خاطرات خود چنین بیان می‌‌کند: در 1360 جمعی پایگاه هوانیروز کرمان بودم. محل استقرار پایگاه تاکتیکی ما در شمال شهرستان ماهشهر و در کنار رودخانه جراحی بود؛ مکانی محصور در بین نخلستان‌های خرما که از‌نظر استتار و اختفا و دسترسی به امکانات شهری، در شرایط بسیار خوبی قرار داشت. مأموریت اصلی ما، پشتیبانی از یگان‌های لشکر 77 پیاده خراسان و پدافند از شهر آبادان بود و مأموریت دومی که به ما واگذارشده بود، شرکت در عملیات اسکورت کشتی‌های تجاری ورودی بندر ماهشهر و امام بود. دو هفته یک‌بار، مأموریت اسکورت داشتیم. روش جاری بدین صورت بود که یک روز قبل از اجرای مأموریت، با یک فروند بالگرد 212 نیروی دریایی که از پایگاه هوادریای بوشهر به منطقه دریایی ماهشهر می‌آمد، جلسه‌ای همراه با فرماندهان پایگاه‌های دریایی و هوایی عمل‌کننده و همراهان ما در پایگاه دریایی بوشهر که سر‌فرماندهی عملیات را به عهده داشت، تشکیل می‌شد و پس از توجیه مأموریت و تعیین تکلیف هریک از یگان‌ها و بحث و تبادل‌نظر، جلسه به پایان می‌رسید و بلافاصله با همان بالگرد 212 به ماهشهر برمی‌گشتیم و خلبانان و بالگردهای موردنظر را انتخاب می‌کردیم و صبح روز بعد با اعلام حرکت کاروان کشتی‌ها، با یک فروند بالگرد موشک‌انداز و یک فروند بالگرد راکت‌انداز به‌طرف شبه‌جزیره بویه‌سیف می‌رفتیم. در بین راه، یک فروند بالگرد 212 نیروی دریایی نیز به‌عنوان رسکیو به ما ملحق می‌شد و آب‌راه خورموسی را ادامه می‌دادیم تا به محل فرود می‌رسیدیم. دریکی از روزها که در شبه‌جزیره بویه‌سیف منتظر بودیم، رادار سربند به ما ابلاغ کرد که یک فروند ناوچه موشک‌انداز از نوع اوزای عراقی، از بندر ام‌القصر خارج‌شده و به‌طرف کاروان کشتی‌ها در حرکت است و مأموریت داریم به‌طرف هدف موردنظر پرواز و در صورت امکان به آن شلیک کنیم. با روشن‌کردن بالگردها، یک فروند بالگرد سیکورسکی نیروی دریایی ارتش به ما ملحق شد و به‌عنوان لیدر، ما را به‌سمت هدف هدایت کرد. پس از عبور از کنار سکوهای نفتی البکر و الامیه که توسط نیروی دریایی ایران منهدم شده بودند، به نزدیکی سواحل جزیره بوبیان و عراق رسیدیم. در اینجا خلبان سیکورسکی، سمت و موقعیت هدف را به ما نشان داد و ما نیز با قدری جست‌وجو آن را پیدا کردیم و آرایش تاکتیکی گرفتیم. من که مسلح به موشک بودم، جلوتر آمدم و ناوچه اوزا را در سایت بالگرد خود دیدم که ناگهان، خلبانان بالگرد سیکورسکی اعلام کردند که سه فروند هواپیمای شکاری نیروهای دشمن را در رادار خود می‌بینند که بالای سر ما هستند و دارند به‌طرف ما می‌آیند و بایستی سریع منطقه را ترک کنیم. ما نیز قبل از آنکه بتوانیم با ناوچه عراقی درگیر شویم، تغییر مسیر دادیم و به‌سوی آب‌های ساحلی خودمان برگشتیم و ناوچه عراقی به‌سوی بندر خودشان برگشت و سه فروند هواپیمای عراقی نیز پس از مقداری جنگ و گریز با هواپیماهای شکاری نیروی هوایی ما، صلاح را بر آن دانستند که به خاک کشورشان برگردند. سرانجام آنکه، آن روز بدون هیچ‌گونه سانحه‌ای کاروان کشتی‌ها به‌سلامت به مقصد رسید (مصاحبه، محمدزاده). **مآخذ:** کریم‌زاده، اردشیر و صفر پایخان، حماسه‌های ماندگار هوانیروز در دفاع مقدس شهریور 1359- مرداد 1367، تهران: سوره سبز، 1390؛ محمدزاده، ابراهیم، مصاحبه، 24/3/1388.